



سردار  
محمود چهارباغی  
مستشار نظامی  
ایران در بخش  
توپخانه



در همان روزها،  
حاج قاسم رابه  
همراه دخترش  
(زینب) در فرودگاه  
دمشق دیدیم.  
برای من  
غیرقابل باور  
بود که  
حاج قاسم در آن  
شرایط حساس و  
دلهره‌آور، خانواده  
رابه سوریه  
آورده است.

روزنامه سازگار شهادت سپهبد سلیمانی

روزنامه سازگار



### ورود شما به صحنه نبرد محور مقاومت با تروریست‌های تکفیری از چه زمانی شروع شد و شما در آن مقطع چه مسئولیتی داشتید؟

جبهه النصره و احرار الشام و چند گروه دیگر بود. شرایط به نحوی بود که مسلحین تا پشت دیوار کاخ بشار اسد رسیده و وزیر دفاع سوریه را ترور کرده بودند. ارتشی‌های سوریه هم نمی‌دانستند در روزهای آینده چه سرنوشتی خواهند داشت. به حرم حضرت رقیه (س) رسیدیم و حاج قاسم را در آنجا دیدیم. او به آرامی نشست و به نیروهایش آموزش‌های مقدماتی را ارائه می‌داد. پس از پایان این آموزش‌ها، به سراغ حاج قاسم رفتم و بعد از احوالپرسی ابتدایی، حاج قاسم از من خواست گزارشی از وضعیت توپخانه سوریه تهیه کنم و به او تحویل بدهم. بعد از چند روز این گزارش را آماده کردم و به ایشان تحویل دادم. این را هم بگویم که در همان روزها، حاج قاسم رابه همراه دخترش (زینب) در فرودگاه دمشق دیدیم. برای من غیرقابل باور بود که حاج قاسم در آن شرایط حساس و دلهره‌آور، زن و فرزندش را برای زیارت به سوریه آورده است. چندوقت بعد، من فرمانده توپخانه محور مقاومت در سوریه شدم. خیلی از ارتشی‌های سوریه تجهیزاتشان را گذاشته بودند و تنها با سلاح‌های سبک خود به صف مسلحین پیوسته بودند. سردار اسدی که به ابواحمد معروف

نخستین مرتبه‌ای که من برای مقابله با تروریست‌های تکفیری به سوریه رفتم، سال ۹۲ بود. هنگام غروب آفتاب بود که به فرودگاه دمشق که حدوداً ۲۰ کیلومتر خارج از شهر است، رسیدیم. در داخل فرودگاه به من اطلاع دادند که حاج قاسم در حرم حضرت رقیه (س) است و با شما کار دارد. همراه با چند نفر از بچه‌هایی که از تهران راهی شده بودیم، نماز مغرب و عشاء را در فرودگاه خواندیم و سوار بر یک ون شدیم تا به دمشق برویم. در مسیر فرودگاه تا دمشق، چندین بار به صورت ممتد از حاشیه خیابان اصلی به سمت خودروی ما تیراندازی شد. در حالی که راننده با سرعت ۱۸۰ کیلومتر حرکت می‌کرد، اطراف خیابان را می‌دیدیم که چندین خودرو بر اثر این تیراندازی‌ها واژگون شده بودند. خلاصه با مشقت و سختی فراوان به دمشق رسیدیم و از این مهلکه جان سالم به در بردیم. در حالی پای ما به دمشق باز شده بود که ۸۰ درصد سوریه در اختیار گروه‌های تکفیری مسلح نظیر